

ضرورت تصحیح انتقادی کمال نامه خواجهی کرمانی^۱

ندا ابن علی



است.» (عابدی، ۱۳۸۶: ۳۱). بنا به گفته دولت‌شاه سمرقندی، از بزرگ‌زادگان کرمان و از پیروان شیخ مرشد ابواسحاق کازرونی بوده است. در پاره‌ای از اشعارش نفوذ افکار صوفیانه و اندیشه‌های عارفانه مشهود است.

هنرمندی او در سرودن نوعی از غزل است که چشم‌اندازی گسترده پیش روی حافظ گشوده است. جدای از این او را «پی‌ریز غزل قرن هشتم» می‌دانند. اما از همه این‌ها که بگذریم او از معروف‌ترین پیروان نظامی در مثنوی‌سرایی است. پس از نظامی بسیاری از شاعران دست‌به‌کار تقلید آثار او شده‌اند و خواجه بعد از امیر خسرو دهلوی دومین شاعر نامدار این عرصه است.

مثنوی «کمال‌نامه» خواجهی کرمانی تاکنون یک بار در ایران در میان مثنوی‌های دیگر این شاعر ذیل عنوان *خمسه* خواجهی کرمانی به تصحیح سعید نیاز کرمانی و با مقابله سه نسخه به چاپ رسیده است. اساس این تصحیح، نسخه‌ای از کلیات خواجه است که در سال ۷۵۰ هـ به دست محمد بن عمران کتابت شده است و به شماره ۵۹۸۰ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود. در این تصحیح اغلاطی به متن راه یافته‌اند که در این جستار آنها را از چند رهگذر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«خواجه، شاعر معروف قرن هشتم، از خواجهگان کرمان است و تخلص او «خواجه» از همین نسبت گرفته شده

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده با عنوان «تصحیح انتقادی کمال‌نامه خواجهی کرمانی» است که با راهنمایی استاد دکتر توفیق هف سبحانی و مشاوره دکتر ساره زیرک در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران از آن دفاع شده است.

پیموده‌اند.

از خمسهٔ خواجه «همای و همایون به سال ۷۳۲ تمام شده و گل و نوروز در ۷۴۲ و از آن پس متوالیاً سه مثنوی دیگر یعنی روضه‌الانوار و کمال‌نامه و گوهرنامه را سروده است.» (نفیسی، ۱۳۰۷: ۶۵) «روضه‌الانوار» سومین مثنوی خواجه و سروده‌شده در سال ۷۴۳ (روزهایی پس از گل و نوروز) است. (خواجهی کرمانی، ۱۳۸۷: سی و پنج). کمال‌نامه در این بین چهارمین، و گوهرنامه آخرین مثنوی خواجه است که در بحر هزج مسدّس مقصور یا محذوف، بر وزن خسرو و شیرین سروده شده است.

پیشینه چاپ:

خواجه که یکی از شاعران «کثیرالشعر» ادب فارسی محسوب می‌شود، در زمینه چاپ آثارش شاعر خوش‌اقبال نبوده است. دیوانش که در بردارندهٔ بسیاری از غزل‌های ناب زبان فارسی است^۲ یک بار در سال ۱۳۳۶ توسط احمد سهیلی خوانساری به چاپ رسیده که سرشار است از بی‌دقتی‌ها و ایرادهای فراوان. این در حالی است که بر ما روشن است که «اشعار خواجه در زمان حیاتش مورد توجه ادیبان و سخن‌سنجان بوده است؛ چنان که حمدالله مستوفی قزوینی در تاریخ‌گزیده که در سال ۷۳۰ هجری، یعنی ۲۰ یا ۲۳ سال پیش از فوت شاعر، فراهم آورده است از خواجه یاد کرده و یکی از غزل‌هایش را در کتاب خود آورده است. همچنین محمد بن بدر جاجرمی ۱۷ فقره از غزل‌های خواجه را در مونس‌الاحرار فی دقایق‌الاشعار نقل کرده است. این کتاب حدوداً یک دهه قبل از مرگ شاعر فراهم آمده و نقل این تعداد غزل از خواجه در آن، نشان‌دهندهٔ شهرت او در دوران حیاتش است.»

از میان مثنوی‌های پنج‌گانهٔ او، سال‌ها پیش، گل و نوروز و همای و همایون به اهتمام کمال عینی — محقق تاجیک — به طبع رسیده‌اند؛ روضه‌الانوار نیز با مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی توسط «میراث مکتوب» در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. این مثنوی‌ها به صورت یکجا و با عنوان خمسهٔ خواجهی کرمانی در سال ۱۳۷۰ با تصحیح «سعید نیاز کرمانی» توسط دانشگاه شهید باهنر کرمان چاپ شده است. تنها تصحیح موجود از کمال‌نامه در همین چاپ



پژوهشگران، مقلدان نظامی را چهار دسته می‌دانند: نخست، کسانی که با پیروی بی‌چون و چر از نظامی، پنج مثنوی سروده‌اند و حتی در گزینش وزن و انتخاب شخصیت‌های داستانی خود و نحوهٔ آغاز کتاب و تقسیم‌بندی فصل‌ها و ساختمان داستان، نوآوری خاصی نداشته‌اند، و تنها تفاوت کار آنها با کار نظامی افزودن یک یا دو بخش مستقل در پایان داستان‌هاست. گروه دوم، شاعرانی‌اند که کارشان تقلید صرف نیست و حتی گاه در مثنوی‌هایشان منظومه‌های مستقل و مبتکرانه‌ای نیز دیده می‌شود. گروه سوم، مقلدانی هستند که فقط به نظیره‌سازی یک یا چند بخش از خمسهٔ نظامی پرداخته‌اند. گروه چهارم مقلدان نظامی شاعرانی‌اند که خمسهٔ نظامی را از روی تفنّن پاسخ گفته‌اند. این جریان نیرومند در ادب فارسی تا دوره‌های اخیر نیز امتداد یافته و بسیاری را به سرودن نظیره‌هایی در برابر آثار نظامی کشانده است. خواجه جزو شاعران گروه دوم دسته‌بندی می‌شود، یعنی کسانی که دست به تقلید صرف از آثار نظامی نکرده‌اند و خود راه دیگری

۲. برای چند و چون شعرهای خواجه، نک: نخلبند شعرا، مجموعهٔ مقالات بزرگداشت جهانی خواجه.



موضوع گنجانده شده است. در پایان، شاعر، مثنوی کمال نامه را با ستایشی از جمال الدین ابواسحاق اینجو و با نصیحت به فرزندش مجیرالدین ابوسعید علی، به پایان می‌برد. خواجه این مثنوی را در مدت دو ماه و در دی ماه سال ۷۴۴ به پایان رسانده است.

شیوه تصحیح:

معمولاً در تصحیح نسخه‌های کهن، هنگام گزارش کار، نسخه‌های مورد استفاده به اعتبار قدمت، صحت و اصالت به ترتیب معرفی می‌شوند. آقای سعید نیاز کرمانی برای تصحیح هر پنج مثنوی خواجه (خمسه) چهار نسخه در اختیار داشته است:

۱. نسخه کتابخانه ملک با تاریخ کتابت ۷۵۰.

۲. نسخه کتابخانه ملک با تاریخ کتابت ۱۱۳۴۴!

۳. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی با تاریخ کتابت ۹۷۰.

۴. نسخه دانشگاه تهران با تاریخ کتابت ۸۰۸.

ایشان اولویت را به نسخه کتابت شده در ۷۵۰ هـ داده و آن را، به درستی، اساس کار قرار می‌دهد. نسخه معرفی شده، سال ۱۳۴۴ هـ.ق است؛ یعنی ۵۹۴ سال پس از کتابت نسخه اساس! روشن است که طی این همه سال دست کاتبان امانت‌ناپذیر چه بلاها می‌توانسته بر سر متن بیاورد. خود ایشان این نسخه را «دارای غلط‌های فاحشی» (خواجه کرمانی، ۱۳۷۰: ۳۷) می‌داند ولی «نهایت چون در مقابله در بعضی مواقع کارگشا بوده است ناچار مورد استفاده قرار می‌دهد.» (همان: ۳۸) نسخه سوم مورد استفاده نیاز کرمانی، کتابت شده سال ۹۷۰ به دست علی بن لطف‌الله معادالحسینی به خط نستعلیق است. نیاز درباره این نسخه می‌نویسد: «از نظر صحت ضبط نسخه‌ای معتبر است» (همان: ۳۸) می‌دانیم که هر چه دست‌نویسی به زمان شاعر نزدیک‌تر باشد خطر اشتباه و تحریف در آن کمتر می‌شود. این نسخه که تاریخی نزدیک‌تر به نسخه اساس و نیز زمان شاعر دارد و قدمت آن از نسخه «ب» بسیار بیشتر است و به گفته مصحح «صحت ضبطی» معتبر دارد، معلوم نیست چرا در تصحیح رتبه‌ای پایین‌تر از نسخه دوم دارد؟

نسخه چهارم در تصحیح خمسۀ خواجه دست‌نویسی است از چند مثنوی خواجه از دانشگاه تهران با تاریخ کتابت ۸۰۸

است. در ادامه نشان خواهیم داد این مثنوی — که می‌تواند حلقه اتصال زنجیر گسسته عرفان ایرانی در قرن هشتم باشد — تا چه اندازه از شیوه تصحیح انتقادی متن جدا افتاده است. کمال نامه از نظر توالی زمانی چهارمین مثنوی سروده شده خواجه‌وست. سال سرایش این اثر آن گونه که خواجه خود می‌گوید، ۷۴۴ است:

مه دی بود و چرخ سنجابی
در پس ابرهای سیمایی
زال زر در هزیمت از بهمن
رفته در زیر آبگون جوشن
بز کوهی به کوه کرده مآب
وز تف تیغ مهر گشته کباب...
شد به تاریخ هفصد و چل و چار
کار این نقش آزری چو نگار

این مثنوی در تصحیح سعید نیاز کرمانی هزار و هشتصد و چهل و نه بیت است. آقای احمد سهیلی خوانساری مصحح دیوان خواجه نیز ایات این مثنوی را همین تعداد می‌داند؛ در حالی که این اثر در تصحیح ما هزار و هشتصد و نود و چهار بیت است. متأسفانه این مثنوی اخلاقی-عرفانی در ادب فارسی شهرتی را که سزاوارش بوده نیافته است. هیچ کدام از مصححین آثار خواجه شرح قابل قبول و روشنی از این اثر به دست نداده‌اند. اجماًلاً بگوییم که چهارمین مثنوی خواجه، منظومه‌ای عرفانی، اخلاقی و اجتماعی است و در بحر خفیف مخبون مقصور، و بر وزن حدیقه سنایی و هفت‌پیکر نظامی، در دوازده باب سروده شده است. باب اول مراحل سیر سالک، از خاک به عالم نامتناهی است که یادآور سیر العباد الی المعاد سنایی است. باب‌های دیگر آن در ادب و اخلاق و نقد احوال صوفیان عصر است.

خواجه کمال نامه را با نام و یاد خدا شروع می‌کند، به نعت رسول می‌پردازد و سپس مناقب شیخ ابواسحاق کازرونی را ذکر می‌کند. این منظومه همچنین شامل گفتارهای عناصر اربعه (آب، باد، خاک و آتش) است؛ به این شکل که سالک پس از رسیدن به خاک و صفت او و سؤال از عالم تحقیق و جواب شنیدن از خاک و اشارت او، به جانب آب می‌رود و به همین ترتیب این روال ادامه پیدا می‌کند تا باد و آتش. در خلال این اثر حکایت‌هایی عرفانی از عرفای بزرگ به مناسبت



دیوان خواجه مورد استفاده آقای احمد سهیلی خوانساری بوده است. آن طور که در مقدمهٔ خمسه اشاره شده، عکس نسخهٔ اساس و نسخهٔ «ب» - کتابت شده در ۱۳۴۴ - را آقای سهیلی خوانساری در اختیار نیاز کرمانی قرار داده است، پس ایشان این نسخه را نیز در اختیار داشته یا دست کم از وجود آن با خبر بوده است. نشانهٔ این نسخه در این مقاله «مل» خواهد بود.

ج. نسخهٔ کتابت شده در سال ۸۲۰ هـ.ق. این دست‌نویس که شامل کلیات آثار خواجه‌وست، به شمارهٔ ۳۵۲ در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. در مقالهٔ حاضر نشانهٔ این نسخه «مج» است.

د. نسخهٔ موجود در کتابخانهٔ سلطنتی کاخ گلستان با شمارهٔ اموال ۱۲۱۴۹ و تاریخ کتابت ۸۲۴، نسخهٔ دیگری است از کلیات خواجه که «کمال‌نامه» او را نیز در هاشم خود دارد. نشانهٔ این نسخه در این مقاله «کا» است.

سه نسخهٔ اخیر نسخی هستند که نه در تصحیح خمسهٔ خواجه از آنها استفاده شده است و نه در تصحیح دیوان او.

بدخوانی‌های اصل نسخه:

در اهمیت نسخهٔ کتابت شده در سال ۷۵۰ (نسخهٔ کتابخانهٔ ملی ملک) گفتنی است که این نسخه قدیم‌ترین نسخهٔ موجود از آثار خواجه است که تا به امروز شناخته شده است. خواجه در سال ۶۸۹ متولد شده است. در مورد سال وفاتش بین محققین اختلاف نظر وجود دارد. بعضی سال ۷۵۰ و پاره‌ای ۷۵۳ را سال وفات او می‌دانند.^۳ کتابت نسخهٔ اساس نیز در ۷۵۰ صورت گرفته است. اگر روایت ۷۵۰ را از مرگ خواجه بپذیریم، دیگر عملاً نسخه‌ای نزدیک‌تر از این، به زمان خواجه نخواهیم یافت، و در صورت پذیرفتن قول دیگر نیز نسخه‌ای منحصر به فرد که در زمان شاعر و، به احتمال بسیار، زیر نظر او کتابت شده است در اختیار خواهیم داشت. با عنایت به این نکته احتمال تغییر در متن «کمال‌نامه» توسط شاعر در سال‌های بعد بسیار ناچیز می‌شود. این حدس زمانی تقویت می‌شود که بدانیم تاریخ اتمام «کمال‌نامه» ۷۴۴ و کتابت نسخهٔ اساس ۷۵۰ است. ما احتمال می‌دهیم خواجه تغییرات لازم را در طول این سال‌ها در

هجری. این نسخه فاقد کمال‌نامه است اما مصحح به خلاف روش صحیح تصحیح انتقادی به این نکته کوچک‌ترین اشاره‌ای نکرده است. در هر حال چون نسخه، کمال‌نامه را در خود ندارد ما با آن کاری نداریم. در نهایت مصحح در تصحیح مثنوی کمال‌نامه سه نسخه در اختیار داشته است. تاریخ کتابت این نسخه به ترتیب معرفی نیاز کرمانی به این شکل است: ۷۵۰، ۱۳۴۴، ۹۷۰. همان‌گونه که اهل فن مطلع هستند سندیت هر تصحیح در گروه نسخه‌هایی است که مصحح به کار گرفته است. هرچقدر فاصلهٔ نسخه‌های استفاده شده کمتر باشد، خطر بروز اشتباه نیز کمتر می‌شود. فاصلهٔ ۲۲۰ و ۵۹۴ سالهٔ دو نسخه با نسخهٔ اساس نمی‌تواند اشتباهات احتمالی متن را برطرف کند. نیاز می‌نویسد: «نگارنده مدتی پیش در صدد برآمد که چاپ منقح و کاملی از خمسهٔ خواجه فراهم کند و برای این منظور به تلاش جهت به‌دست آوردن نسخه‌های خطی کهن پرداخت...» (خواجهی کرمانی، ۱۳۷۰: ۳۸) اما گویا این تلاش آن‌چنان ثمربخش نبوده است.

برای به‌دست‌دادن متنی آن چه خواست خواجه بوده است، نسخه‌های دیگری نیز از این مثنوی موجود بوده که آقای نیاز کرمانی نمی‌توانسته از وجود آن‌ها بی‌خبر باشد. از آن جمله است: الف. نسخهٔ کتابخانهٔ ملی بریتانیا به شمارهٔ ADD.18-113 کتابت شده در سال ۷۹۸. این نسخه جدا از ارزشی که از نظر قدمت دارد، یکی از اولین نسخه‌هایی است که به خط نستعلیق توسط واضع آن خط (میرعلی تبریزی) کتابت شده و نیز از نخستین کتاب‌های مصور فارسی است. در هر حال این نسخه شامل سه مثنوی همای و همایون، کمال‌نامه و روضه‌الانوار است که هیچ‌گاه در تصحیح اثری از خواجه مورد استفاده نبوده است. از این نسخه عکسی هم نزد نویسندهٔ این مقاله موجود است. در توضیحاتمان بر بیت‌ها، از این نسخه با نشانهٔ «لن» یاد کرده‌ایم.

ب. نسخهٔ دیگری از کتابخانهٔ ملی ملک، به شمارهٔ ۵۹۶۳ که در تاریخ ۸۲۹ و به خط نستعلیق محمد بن مطهر بن یوسف بن ابوسعید قاضی نیشابوری کتابت شده است. این نسخه سال‌ها پیش از تصحیح خمسه توسط نیاز کرمانی، در تصحیح

۳. در مورد سال وفات خواجه بین مورخین و محققین اختلاف نظر است. سعید نیاز کرمانی در خمسه (ص ۲۷)، احمد سهیلی خوانساری در دیوان (ص ۳۰) و همچنین سیدعلی میرافضلی در شاعران قدیم کرمان (ص ۵۰۷) مرگ خواجه را در سال ۷۵۳ هـ می‌دانند. فصیح خوافی مورخ (د. ۸۴۹ق) وفات خواجه را ضمن حوادث سال ۷۵۰ هجری ذکر کرده و دکتر صفا این قول را پذیرفتنی‌تر از اقوال دیگر دانسته است (ر.ک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۸۹۵) (میرافضلی، ۱۳۸۶: ۵۱۲). دکتر محمود عابدی نیز در روضه‌الانوار قول ۷۵۰ را پذیرفته است هر چند در متن کتاب به مرگ خواجه هیچ اشاره‌ای نمی‌کند.

کوه در کوه تازیان گیرد
 خشک و تر جوش خاکیان گیرد
 جدای از اینکه همه نسخه‌ها مصراع اول را «کوه در گرد تازیان
 گیرد» ضبط کرده‌اند، در مصراع دوم نیز به جای «خاکیان»
 «غازیان» دارند. کلمات قافیه در این بیت تازی و غازی است و
 روشن است که «خاکی» با «تازی» قافیه نمی‌شود.
 بدخوانی نسخه گاه با توضیحات خود مصحح روشن تر می‌شود؛
 بیت ۱۰۷۶ در تصحیح نیاز به این شکل است:
 تو ضعیفی و بارگیر تو سست
 نیک بنگر که دزد در ره توست
 این دقیقاً صورت نسخه اساس است، اما مصحح «سست» را
 «نیست» خوانده و از قول نسخه اساس به نسخه‌بدل‌ها وارد
 کرده است.
 بدخوانی نسخه گاه نیز وزن شعر را مختل کرده است؛ مثلاً در
 بیت ۱۶۶۷:

گشت همه شمع دیده‌اش بی‌نور
 شد بهشت طبیعتش بی‌حور
 به جای «همه» در نسخه اساس «سر» آمده است. ضبط اساس
 را تمامی نسخه‌های دیگر نیز تأیید می‌کنند. واضح است که
 با وجود «همه» وزن مختل شده است. البته نباید از نظر دور
 داشت که این کلمه در نسخه اساس بسیار شبیه «همه» کتابت
 شده است.
 از دیگر کاستی‌های این تصحیح این است که گاه واژه‌ای
 در نسخه اساس افتاده است ولی مصحح اشاره‌ای بدان نکرده؛
 مانند حذف «ما» در بیت ۱۶۳۸.
 همان‌طور که پیش از این آمد، «کمال‌نامه» دوازده باب
 دارد که هر کدام از این ابواب دارای عناوینی هستند. در این
 تصحیح عنوان‌ها طبق روایت نسخه اساس نیستند و این
 نکته‌ای است که باز هم مصحح به آن اشاره‌ای نکرده است.
 مانند باب اول که در تصحیح نیاز بدین گونه آمده است: «بیان
 در صید کردن دل‌ها»، در حالی که در نسخه اساس آمده: «در
 صید دل‌ها کردن و به جان باز نماندن» و نیز در صفحه ۱۷۹
 می‌خوانیم: «در عنوان حکایت پیر خانقاه که به امساک...» که
 صورت صحیح آن «پیر خانقاه‌دار» است و مضمون حکایت نیز
 همین را تأیید می‌کند. یا در صفحه ۱۳۲ چاپ نیاز، در عنوان
 حکایت آمده: «کرم الله جهد»، در حالی که صحیح آن در نسخه

اثرش داده و به زبانی دیگر، آن را بسته بوده است. بر اساس
 آنچه گفتیم، ضرورت عنایت خاص و اعتماد کامل به این
 نسخه — فعلاً — دوچندان می‌شود.
 این نسخه به خط تعلیق پخته‌ای کتابت شده و خصوصیات
 کتابتی نسخه‌های کهن را داراست. برای خواندن این گونه
 نسخ باید با نوع کتابت کاتب آشنا بود و اسلوب او در نوشتن
 را پیش چشم داشت. مصحح به این نکته توجه چندانی نشان
 نداده و در مقدمه نیز هیچ اشاره‌ای به خصوصیات رسم‌الخط
 کاتب نکرده است. در همه‌جای این نسخه «خورشید» «خرشید»
 کتابت شده، «امید» در همه مواضع «اومید» است و «درخشان»
 «درفشان». در همین سه نمونه که نقل شد، ما تنها مجازیم
 املائی «خرشید» را صحیح کنیم و جوازی برای تغییر «اومید»
 و «درفشان» نداریم. اما مصحح محترم بی‌هیچ اشاره‌ای
 این گونه واژه‌ها را که تعدادشان کم هم نیست تغییر داده است؛
 نظیر بیت ۱۸۴۸:

چون سر زلف شب پریشان گشت
 دل سیارگان درخشان گشت
 که «درخشان» نه تنها در نسخه اساس بلکه در دیگر نسخه‌ها
 نیز «درفشان» است.
 گاه قرائت نادرست نسخه به بیت‌ها آسیب رسانده و معنی را از
 بین برده؛ به عنوان مثال در بیت ۲۷۰:
 صید قید دلم توام بگشای
 من دم بسته را رهی بنمای
 مصراع اول در نسخه اساس و نیز نسخه‌های دیگر «صید قید
 توام دلم بگشای» است.
 نیز در بیت ۱۳۸۴:

به سرافرازی و کله‌داری
 نتوان کرد خویشتن‌داری
 «خویشتن‌داری» را همه نسخه‌ها «خانقه‌داری» ضبط کرده‌اند.
 نظیر این اتفاق در بیت‌های ۸۳۶، ۱۳۳۰ و ... نیز افتاده است.
 در برخی مواقع همین موضوع باعث اخلال در ردیف و حتی
 قافیه شعر شده است؛ برای نمونه در بیت ۱۲۴۳:
 پادشه مفلس و گدا نشود
 باغ بی‌برگ و بی‌نوا نشود
 ردیف این بیت به اتفاق در تمام نسخه‌ها «نسزد» است. معنی
 بیت نیز همین ضبط را تقویت می‌کند. نیز در بیت ۱۷۱۳:

اساس «کرم الله وجهه» است. پاره‌ای دیگر از اشتباهات و غلط‌خوانی‌های متن:

۴۱۲۵

خاطرم مهره بتا می‌راند
خردم نقش کبریا می‌خواند
«مهره بتا» در نسخه اساس «مهره بقا» است. نسخه‌های دیگر نیز همین ضبط را تأیید می‌کنند.

۴۳۳

دم به دم خنجر از تراب کشی
تیغ بر روی آفتاب کشی
ضبط تمام نسخه‌ها، به جای «تراب»، «قراب» است. با بودن کلمه «خنجر» در این بیت، بدیهی است که کلمه مورد بحث می‌باید «قراب» باشد و «تراب» هیچ وجهی ندارد.

۴۵۸

تاب در من چه می‌زنی؟ بشتاب
و آب رویم چه می‌بری؟ دریاب
«بشتاب» در نسخه اساس «مشتاب» ضبط شده است. توجه به لحن شاعر در مصراع نشان می‌دهد گوینده قصد بازداشتن مخاطب را داشته است و در نتیجه «بشتاب» در اینجا نمی‌تواند صحیح باشد.

۶۱۸

خیز خواجه و خویش را در باز
از چه باشد در این قدم سر باز
مصراع دوم با این صورت معنی محصلی ندارد، اما «از» در مصراع دوم در نسخه اصل و نسخه‌های دیگر «زر» است. این معنی را بیتی از سعدی نیز تقویت می‌کند:

دوستان در هوای صحبت یار
زر فشاندند و ما سر افشانیم

(سعدی، ۱۳۸۵: ۳۱۵).

۶۸۷

گر بود نام چشم دریا بار
از حیا آب گردد ابر بهار
همه نسخه‌ها مصراع اول را «گر برد» ضبط کرده‌اند. با عنایت به معنی شعر نیز ضبط اساس تقویت می‌شود. شاعر می‌گوید: «اگر نام چشم دریا بار «برده شود» ابر بهار از شرم و

حیا آب می‌شود» و «بود» که صورت پیشنهادی مصحح است توجیهی ندارد.

۷۳۰

گر توزین باده می‌خوری برخیز
سر به مستی برآر و باده بریز
در همه نسخه‌هایی که در دست ماست از جمله نسخه اساس به جای «می‌خوری»، «بی‌خودی» آمده است و با توجه به متن کمال نامه که یک مثنوی عرفانی است، «بی‌خودی» یا «سکر» که در اصطلاح عرفا نقطه مقابل «صحو» است، برای اینجا ضبط مناسب‌تری است چنان که مولانا گوید:

زان نفسی که باخودی خودتوشکارپیشه‌ای
و آن نفسی که بی‌خودی پیل شکار آیدت

(مولوی، ۱۳۸۶: ۱۱۷)

۱۳۳۰

خنجر عشق مبتدایش نیست
شرط دیوانگی جزایش نیست
نسخه اصل و نیز نسخه‌های دیگر همگی به جای خنجر، «خبر» ضبط کرده‌اند. و با وجود «مبتدا» چه کلمه‌ای بهتر از «خبر» و بی‌وجه‌تر از «خنجر»؟
از این گونه موارد می‌توان به «مرا» به جای «چرا» در بیت ۷۳۰، «جلال» به جای «جدال» در بیت ۱۳۵۵، «تشریر» به جای «تشیویر» در بیت ۱۳۵۶، «خاره» به جای «خار» در بیت ۱۰۴۰ و ... اشاره کرد.

تصحیح قیاسی:

«شیوه انتقادی این است که در متون، به‌ویژه متون منظوم، نسخه‌شناسی تاریخی را مطرح نظر داریم و اگر نسخه‌های قدیم وجود داشته باشد، آن را اساس قرار دهیم» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۰۷) و «جز در مواقعی که روایت نخستین دستخوش اضطراب است، از روایت ثانوی کمک نگیریم» (برگستراسر، ۱۳۷۰: ۵۵).

در فرایند تصحیح، گاه نسخه اساس ناخوانا، ناقص و یا نادرست است. در این هنگام دو احتمال پیش روی ما خواهد بود: یا نسخه‌بدل‌ها می‌توانند این مشکل را مرتفع کنند یا از آن‌ها نیز کاری ساخته نیست. اگر ضبط نسخه‌بدل‌ها کارگشا

۴. شماره بیت‌ها برگرفته از تصحیح سعید نیاز کرمانی است.

ترجیح نسخه‌های دیگر بر متن:

در تصحیح متون کهن — غالباً — اقدم نسخ به عنوان «نسخه اساس» انتخاب می‌شود و تصحیح بر پایه آن صورت می‌گیرد. عدول از نسخه اساس و ترجیح ضبط نسخه‌های دیگر، جز در موارد بسیار ضروری جایز نیست. این موارد می‌تواند ناخوانا بودن، اشتباه مسلم کاتب و ... و در متون شعری خروج از دایره وزن و ایراد قافیه باشد. تصحیح متن در واقع به دست دادن صورت پیراسته متنی است که از قلم نویسنده تراویده است نه آن چه دلخواه ماست. چه بسا سروده شاعری بزرگ نیز مطابق میل و موافق ذوق ما نباشد؛ در این صورت آیا مجوزی برای تغییر سروده او داریم؟!

در تصحیح مورد بحث، گاه ضبط یکی از نسخه‌بدل‌ها به متن آمده است و نسخه اساس به حاشیه رانده شده است. چندی از این موارد پذیرفتنی می‌نماید؛ نظیر بیت ۴۲:

ای ز دل کرده شمع منظر دل

وی ز گل کرده برج اختر دل

که در نسخه اساس، مصراع اول به صورت «شمع اختر دل» آمده است. روشن است کاتب تحت تأثیر قرائتی از مصراع دوم که بر او می‌شده، «اختر» را به مصراع نخست نیز آورده و مصحح به درستی آن را به حاشیه رانده. اما نظیر این ترجیح در بسیاری از موارد بی‌هیچ ضرورتی صورت گرفته است.

خود نسخه‌بدل‌ها نیز در تصحیح نیاز کرمانی وضعیت روشنی ندارند و مطابق با روایتی که مصحح از آن‌ها عرضه می‌کند نیستند. از این دست می‌توان به بیت ۷۹۸ اشاره کرد:

دیده کو یافت در ممالک شاه

ره در این پرده سپید و سیاه

این ضبط نسخه اساس است اما مصحح «ره» را در مصراع دوم «نه» خوانده و به حاشیه رانده است. نیز بیت‌های ۴۶، ۱۲۰، ۱۳۸۴ و ... به همین مشکل دچارند.

مصححان متون ادبی، در مورد اختلافات نسخ به دو شیوه عمل می‌کنند: (الف) تمام موارد را ذکر می‌کنند و از کوچکترین موارد اختلاف بین نسخه‌ها در نمی‌گذرند. این شیوه، جزئیات تمام نسخه‌های مورد استفاده مصحح را پیش چشم خواننده باز می‌نهد و به او نیز حق و امکان داوری می‌دهد. (ب) در روش دیگر مصحح اختلافات مهم را ذکر می‌کند و در مقدمه کتاب توضیح می‌دهد که تنها پاره‌ای از

بود، به ترتیب اهمیت نسخه‌های موجود، صورت صحیح را در متن وارد می‌کنیم ولی اگر ضبط هیچ کدام از نسخه‌ها نیز صلاحیت ورود به متن را نداشت، آن گاه شمم و شناخت و دانسته‌های مصحح از رهگذر تصحیح قیاسی وارد متن می‌شود؛ در این صورت البته می‌باید به اطلاع خواننده رساند که در این موضع متن، تصحیح قیاسی صورت گرفته است.

به نظر می‌رسد در بسیاری از مواردی که آقای نیاز کرمانی متن را به شیوه قیاسی تصحیح کرده‌اند، ضرورتی در این کار نبوده است. جالب‌تر آن که در این گونه موارد، مصحح هیچ اشاره‌ای به قیاسی بودن تصحیح متن نمی‌کند. این روش مصحح گاه قافیه را از بین برده است مانند بیت ۱۷۱۳ که به آن اشاره شد. در پاره‌ای مواقع نیز جمیع نسخ ضبطی واحد و البته صحیح به دست می‌دهند اما مصحح، بی‌اعتنا به ضبط نسخه‌ها، از پیش خود واژه‌ای به متن آورده؛ مثلاً در بیت ۶۶۲:

برگ بگذار ار نوا خواهی

درد می‌کش اگر دوا خواهی

به جای «ار» مصراع نخست، در همه نسخه‌ها «اگر» است. نیز در بیت ۱۵۴۶:

نان بده کاب رخ کنی حاصل

سر بده تا به سر شوی واصل

به جای «سر بده» در مصراع دوم در نسخه‌های موجود «سر بنه» است. «سر نهادن» در اینجا یعنی تسلیم محض در مقابل قدرتی بی‌منتها، و پس از آن ادامه دادن راه. «سردادن» را که ضبط مختار آقای نیاز کرمانی است هیچ کدام از نسخه‌ها تأیید نمی‌کنند. همچنین بنگرید به بیت ۳۷:

نور روز از سواد شب بنمود

طلعت شهد از قصب بنمود

در نسخه اساس، به جای شهد، لغتی کتابت شده که شبیه «شب» است؛ هر چند ضبط نسخه اساس در این مورد نمی‌تواند صحیح باشد زیرا وزن را مختل می‌کند؛ اما به هر روی این لغت «شهد» نیز خوانده نمی‌شود. این مشکل به دست دیگر نسخ، از جمله «الن»، که کلمه را «شکر» ضبط کرده‌اند برطرف می‌شود. بیت ۵۵۴ نیز در همه نسخه‌های موجود در جایگاه کنونی‌اش نیست و پس از بیت ۵۳۰ آمده. این جابه‌جایی نیز بی‌هیچ توضیح و ضرورتی صورت گرفته است.



اختلافات در حاشیه آمده است. در این روش همیشه محتمل است که اختلافی مهم در دید مصحح کم‌اهمیت جلوه کند و در نتیجه ذکر نشود.^۵

نیاز کرمانی در تصحیح خود جدای از چنین مواردی «که متن صحیح و روشن و درست بوده و بر طبق اصول نقد متون حرمت آن باید رعایت شود» (محمد بن منور، ۱۳۸۱: دویست و نوزده)، گاه ضبط نسخه اساس را کنار گذاشته و ضبط یکی از نسخه‌بدل‌ها را به متن آورده است. در این موارد نه تنها هیچ ذکر از نسخه اساس در حاشیه نرفته، بلکه حتی روشن نشده است که صورت پذیرفته و مرجح مصحح ضبط کدام‌یک از نسخه‌هاست. برای نمونه، بیت ۳۹ در تصحیح نیاز به این شکل است:

چین شب در کمند شام افکند
تخت خور بر کنار بام افکند

در نسخه اساس به جای «خور»، «که» آمده است. زر استعاره‌ای است از «خور: خورشید». تغییر متن، در اینجا، آن هم بدون اشاره به ضبط نسخه اساس، وجهی ندارد. نیز در بیت ۸۵:

حجت حق خلاصه کونین
رحمت خلق، هادی ثقلین

در نسخه اساس و «لن» مصراع دوم این گونه است: «رحمت خلق و هادی ثقلین». همچنین در بیت ۱۱۴:

سدره را منتها تو دیدی بس
گل باغ وفا تو چیدی بس

تمام نسخه‌ها، بین ردیف و قافیه «واو» دارند: «دیدی و بس»، و مهم‌تر این که به جای «وفا» نیز «دنا» ضبط کرده‌اند. «دنا» در اینجا تلمیحی است به آیه شریفه «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى» (نجم: ۸). در بیت ۲۶۲ آمده:

مهد عیسی مریمت خوانند
روضه حور آدمت خوانند

در نسخه اساس و نیز نسخه «لن» به جای «خوانند» در مصراع دوم، «دانند» آمده است. با حفظ «مریمت خوانند» و «آدمت دانند» در جایگاه قافیه، بیت ذوقافیتین خواهد شد که آرایه مورد علاقه خواجه بوده است.

در بیت ۵۶۷:

دست در دامن درایت زن
سایبان بر ره عنایت زن

در نسخه اساس، «لن» و «مخ» مصراع اول این گونه آمده است: «دست در دامن هدایت زن». این بیت به یک اصل مهم، داشتن پیر و راهنما و دلیل راه، در طی سلوک عرفانی اشاره دارد. از همین روی «هدایت» — که ضبط اهم نسخه‌ها نیز هست — بر «درایت» مرجح است. حافظ نیز می‌گوید:

به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم
که من به خویش نمودم صدا هتمام و نشد

نیز در بیت ۱۰۹۸:

بس که مانده‌ست زیر نه منظر
خانه بی خانه قصر بی قیصر

مصراع دوم را همه نسخه‌ها به صورت «خانه بی خان و قصر بی قیصر» ضبط کرده‌اند و نادرستی ضبطی که در تصحیح نیاز کرمانی آمده روشن‌تر از آن است که توضیحی بخواهد. ایراد دیگر این چاپ اغلاط مطبعی است که به شعرها آسیب جدی وارد کرده است. برای نمونه:

ای نبات نبات را چادر
کشتی کاینات را لنگر

در همه نسخه‌های مصراع اول به این شکل است: «ای بنات نبات را چادر». این اضافه تشبیهی پیش از خواجه در گلستان هم سابقه دارد: «دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.» (سعدی، ۱۳۷۷: ۴۹). از این دست ایراد در بیت‌های ۲۵۶، ۴۵۷، ۱۳۱۰ و ... نیز دیده می‌شود.

این تنها گوشه‌ای از تصحیفاتی است که به متن «کمال نامه» خواجوی کرمانی راه یافته است؛ نشان دادن همه اشتباهات، تحریفات و تصحیفات راه‌یافته به چاپ نیاز کرمانی مجالی فراخ‌تر می‌طلبد.

آن‌چنان که دیدیم متن «کمال نامه» مصحح سعید نیاز کرمانی که در مجموعه خمس خواجوی کرمانی به چاپ رسیده است، ابتدایی‌ترین اصول و قواعد تصحیح متن را نقض می‌کند. مواردی که در این مقاله برشمردیم، هرچند مشتکی است از خروار، برای اثبات ضرورت تصحیح موجود این مثنوی

۵. دکتر یدالله جلالی پندری در مقاله «روایت‌های نادرست از اشعار سنایی» ضمن برشمردن اشتباهاتی که به دیوان سنایی در تصحیح استاد مدرس رضوی وارد شده است، در عدم ذکر نسخه‌بدل‌ها این بیت را شاهد می‌آورد: «از روی آن صنوبر ما را چراغ باید / وز زلف آن ستمگر ما را گزید باید» و در ادامه می‌نویسد در مصراع دوم «ماوا گزید باید» که ضبط یکی از نسخه‌بدل‌هاست می‌توانست مشکل معنی مصراع دوم را حل کند. در این باره به همان مقاله رجوع شود.

- دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۷۰.
- خواجه‌ی کرمانی، دیوان، به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: پازنگ، ۱۳۷۴.
- خواجه‌ی کرمانی، روضة الانوار، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۷.
- سعدی، غزل‌های سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۵.
- سعدی، گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۳۷.
- سمرقندی، دولت‌شاه، تذکرة الشعراء از روی چاپ براون، کتابفروشی بارانی، بی‌تا.
- عابدی، محمود، «خواجه‌ی کرمانی در آثارش»، گوهر گویا، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.
- نفیسی، سعید، نخلبند شعراء (احوال و منتخب اشعار خواجه‌ی کرمانی) تهران: موسسه خاور، ۱۳۰۷.
- محمد بن منور، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه، ۱۳۰۰.
- مولوی، جلال‌الدین، کلیات دیوان شمس، تصحیح استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بهزاد، ۱۳۸۶.
- میرافضلی، سیدعلی، شاعران قدیم کرمان، کرمان: نشر کازرونیه، ۱۳۸۶.

اخلاقی - عرفانی که می‌تواند گره‌گشای برخی از مفاهیم و اصطلاحات ادبی - عرفانی باشد، کفایت می‌کند. همین امر نگارنده را قانع کرد تا پس از جمع‌آوری و بررسی نسخه‌های خطی معتبر «کمال‌نامه» خواجه، تصحیح مجدد آن را موضوع پایان‌نامه خود قرار دهد.

منابع:

الف. نسخه‌های خطی:

- کلیات خواجه‌ی کرمانی، کتابخانه ملک، شماره ۵۹۸، تاریخ کتابت: ۷۵۰.
- خواجه‌ی کرمانی، کتابخانه لندن، شماره ADD 18113، تاریخ کتابت: ۷۹۸.
- کلیات خواجه‌ی کرمانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۵۲، تاریخ کتابت: ۸۲۰.
- کلیات خواجه‌ی کرمانی، کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۱۲۱۴۹، تاریخ کتابت: ۸۲۴.
- کلیات خواجه‌ی کرمانی، کتابخانه ملک، شماره ۵۹۶۳، تاریخ کتابت: ۸۲۹.

ب. سایر منابع:

- جلالی‌پندری، یدالله، «روایت‌های نادرست از اشعار سنایی» در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۱۸۵، ۱۳۸۱.
- خواجه‌ی کرمانی، خمسه، تصحیح سعید «نیاز» کرمانی، کرمان:

